

یکسو و تغییر آنها به عادات خوب و اصلاح اخلاقی و تربیتی، از دیگر سو است. و نیز این مسأله، که از حد راه و چگونه باید عادات خوب را جایگزین عادات بد و اخلاق ناسد کرد؟

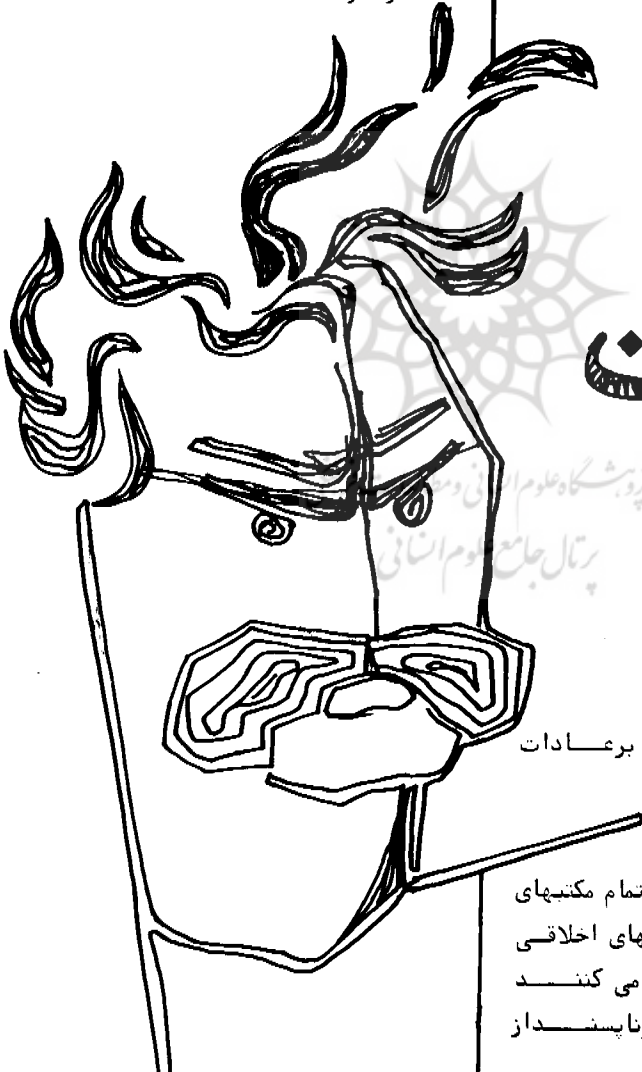
و بطور کلی در روانشناسی تربیتی از قدیم تا کنون این مسأله مطرح بوده که آیا عادات بددم بر تربیت است یا تربیت مقدم بر عادات؟ هر یک از این نظریه ها طرفدارانی داسد و دارد.

راه غلبه

بر

عادات

غلط



با تعلیم و تربیت چگونه می توان بر عادات و ناپاکیهها غلبه کرد؟

یکی از مهمترین مسائلی که در تمام مکتبهای تربیتی و تعلیمی مطرح است و مکتبهای اخلاقی و عقیدتی هم روی آن بسیار تکیه می کنند مسأله وجود عادت های زشت و ناپسند از

مسلمانان، نه، چون با این حال وبا همه این حرفها باز نقش تعلیم و تربیت فوق العاده است و می توان گفت که افراد هر چند آلوده و منحرف را با تربیت صحیح و راهنمایی و تعلیم درست می توان اصلاح کرد و رو براه نمود. آنچنان که شخصیتی دوباره برایش پدید آورد که همه عادات بد و آلوده اش را کنار بگذارد و حتی حالت نفرت نسبت به آنها پیدا کند.

علمای تربیت در امروز معتقدند که با تربیت صحیح و شیوه های تربیتی نیز می توان حتی عاداتهای غریزی را عوض کرد و آنها را مهار نمود و انسانها بویژه کودکان را مطابق ذوق و سلیقه خویش تربیت نموده، مطابق دلخواه بار آورد.

"دکتر الکسیس کارل" می افزاید که بدیهی است که حتی زمینه های ارشی عمیقاً "تحت تأثیر تربیت و پرورش قرار می گیرد . . .

ما بسیاری از انسانهای آلوده را دیده و شنیده و در تاریخ بارها خوانده ایم، که با مراعات اصول تربیتی و راهنمایی مریبان دلسوز، بکلی عوض شده اند و اگر جز این بود بعثت انبیاء و این همه برنامه های اصلاحی خداوند وادیان الهی و اسلام و حتی برنامه های عظیم تعلیم و تربیت در سطح جهان، از گذشته و حال، لغو و بیفایده خواهد بود. و عملاً می بینیم که چنان نیست . . . ما نمی گوئیم که خلقت گرگ و یا حیوان دیگر را می توان تغییر داد و از آنان انسانی مؤدب ساخت ولی نقش تربیت در بسیاری از زمینه ها کارساز است . . .

و نیز ممکن است که در موارد کمی در اثر زمینه های بسیار بد، و انسانهای لاجوج و منحرف که به هیچوجه حاضر نیستند خود را اصلاح کنند، و همه زمینه ها را در خود خراب کرده اند، تربیت هم اثر نکند و به تعبیر جالب قرآن درباره

داستانها و شعرها نیز گویای این مطالب است که برخی برای تربیت افراد منحرف و بدسرست و صاحبان عادات زشت اثری فائل نبوده و آن را بیفایده می دانستند و به قول سعدی:

تربیت ناهل را چون گردکان برگنیداست"
و نیز این شعر معروف نمودار این نظریه است که:

درختی که تلخ است وی را سرشت
گوش برنشانی به باغ بهشت
وراز جوی خلدش بهنگام آب

به بیخ انگبین ریزی و شهد ناب
سرانجام گوهر، به بار آورد
همان میوه تلخ بار آورد

داستان آن دونفر دانشمند و صاحب نظر ولی مخالف هم در زمینه های تربیت و تعلیم معروف است که اولی گریه های عاشق گوشت و . . . را چنان تربیت کرده بود که تا ساعتها سرسفره مهمانی از واردین پذیرائی می شد در در حالیکه آن گریه ها شمع بدست آرام و موذّب کناره سفره چرب و نرم و پراز گوشت و کباب نشسته بودند!! گوئی با آنها میانه ای ندارند ولی رقیب او که می گفت بر عادت نمی شود غلبه کرد، بارها کردن موشی در وسط سفره و حمله گریه ها به آن و بهم ریختن سفره، خواست بفهماند که خصومت گریه و موش، ذاتی است و قابل علاج نیست . . .

آیا برآستی چنین است؟ و تغییر عاداتها مشکل است و تربیت و تعلیم اثری در بسیاری موارد ندارد و باصطلاح معروف با همه تلاش مریبان و راهنمایان و آموزگاران چنان خواهد شد که:

عاقبت گرگ زاده گرگ شود
گرچه با آدمی بزرگ شود

و . . . بکار می رود . و درباره منحرفان از اصول اخلاقی و اسلامی و . . . نیز می توان چنان برنامه‌ای را پیاده کرد .

شیوه‌های پیامبران

انبیاء برای تغییر عادات و آلودگیهای مردم و محیط نخست ، به تخریب مبانی غلط فکری و عقاید انحرافی می پرداختند و همگام با نفی آن افکار و عقاید ، عقیده صحیح و فطری توحید و یکتا پرستی را جایگزین می ساختند و با عوامل انحراف و مراکز گمراهی مبارزه می کردند و بتها را برمی حیدند . قهرمان توحید حضرت ابراهیم (ع) بهمین جهت بتها را می شکند و با بت زنده و بارأس کفر و الحاد و عامل مهم فساد یعنی نمرد می جنگد و در برابر کرنش و ستایش از بت ها ، عبادت و پرستش و نیایش و ستایش از خدای یگانه را مطرح می سازد و مردم را به سوی آن می خواند .

رَأَيْتِي وَجْهَتْ وَجْهِي لِلذَّيِّ فَطَرَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ انعام آیه ۷۹
موسی پیامبر (ع) نیز نبرد با فرعون و . . .

را آغاز می کند . و عیسی (ع) عشق به آخرت و نیکی و عبادت و زهد را جایگزین علاقه شدید به مال و زندگی مادی و دنیا پرستی قوم یهود و پیروان خویش ، می سازد و پیامبر اسلام (ص) تبر بران و تیغ تیز لاو نفی را بر بیکر بتها و معبودهای باطل و خدایان دروغین که سب شدند تا مردم عمری به پرستش باطل عادت کنند می کوبد و همزمان با نفی خدایان باطل ، توحید و یکتا پرستی را گـوشرد می کند و می فرماید :

منافقان و مشرکان منحرف و گمراهان و ابو جهل صفت ها که بهیچوجه حاضر به پذیرش حق نیستند ، مهر بردلها و افکار و اندیشه و چشم و گوش آنان زده شود و کار به جایی برسد که خداوند به پیامبرش (ص) خطاب کند و بگوید :

"سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَآ يُؤْمِنُونَ"

ساوی است که آنان را بیم بدهی یا ندهی ایمان نخواهند آورد .

یا آنقدر به انحراف و آلودگی ادامه دهند که تمام زمینه‌های فطری را از بین ببرند ، کارشان به انکار آیات خداوند و استهزاء و تمسخر آنها بیانجامد .

"ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ ءَاسَأُوا السُّوْءَ أَن كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللّٰهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ"

"عاقبت آنانکه بدی و گناه می کنند (و به معصیت ادامه می دهند) انکار و تکذیب آیات خدا و استهزاء و تمسخر آنهاست"

قبلا باید یادآور شد ، که در روانشناسی تربیتی همواره روی این نکته تاکید شده است که برای تغییر هر عادت نخست باید ، یک عادت دیگری در او پدید آورد ، یعنی برای تغییر عاداتهای زشت و انحرافی ، نخست باید یک عادت خوب را جایگزین آن کرد تا باخو گرفتن با این عادت تازه تدریجاً عادت نخستین را فراموش کند .

و این دیگر بستگی به نقش معلم و مربی دارد که چگونه با رفتار خوب و کارهای مفید و سرگرمیهای سودمند ، عادت بدی را درنوآموز و دانشجویان افراد تحت تربیت و تعلیم خویش ریشه کن سازد .

و این روش است که در بسیاری از بیمارستانها و . . . درباره معتادان به الکل و مواد مخدر

روانشناسی آگاهانه‌ای نیاز دارد و باید با حوصله فراوان و صبر و تحمل و دلسوزی خاصی انجام گیرد.

علی (ع) می‌فرماید " دشوارترین سیاستها تغییر دادن عاداتهاست " و نیز فرموده عادتها بر انسان تسلط می‌یابد تا آنجا که آنحضرت عادت را برای انسان طبع دوم و سرشت ثانوی شمرده است.

"العاده طبع ثان" . و بهمین جهت مغلوب ساختن عادت بد ، خود از بهترین عادتها و کارها می‌باشد

علی اکبر حسینی

قولوا لا اله الا الله تفلحوا " . . .

و آنگاه با برنامه منظم عبادت و زدودن عوامل فساد و گمراهی ، از همان مردم بست پرست موحدان و خداپرستان و مومنان ایثارگری می‌سازد که برای ما و همه انسانها نمونه بوده‌اند و یارسان یان شب و شیران روز (زهاد ، و عباد اللیل و اسد النهار) لقب یافتند

این یک روش بسیار عالی و موثر در تعلیم و تربیت برای مبارزه با عادات نکوهیده است . . . و گرنه تغییر دادن عادت‌های ریشه‌دار ، کار آسانی نیست؛ به ظرافت و دقت در عمل و کاردانی لازم

بقیة از صفحه ۷

خودش که جنب باسگاه بود (خانه‌های سازمانی) سینی به دست به طرف باسگاه می‌رود و از همان غذایی که همسرش پخته بود برای معلم و ورزش می‌برد . در باسگاه به او می‌گویند که این معلم به تو نوهین کرده و شما علیه او شکایت است نموده‌اید ، حالا برایش غذا آورده‌اید ؟ این چه رفتاری است که شما دارید؟ رئیس اداره جواب می‌دهد که من مصروب شده‌ام و او شکایت کرده‌ام ولی وظیفه دارم که به او غذا بدهم و بدو تسکین دهم . بی حرمتی او را مراجع نمی‌توانم صلاح جواب خواهند داد . خلاصه غذا را باطابق معلم بازداشتی می‌بندند و برند و معلم از وضع سینی می‌فهمد که غذا برهوش به باسگاه نمی‌باشد و منزل خودش نیز هندسوز خبردار شده‌اند . در کمال ناباوری می‌پرسند غذا مال کیست ؟ سربازان می‌گویند مال رئیس اداره است و برای شما آورده‌اند تا گرسنه نمانید و الآن هم وقت که برای شما جای ساخته در این موقع معلم ورزش با صدای بلند گریه می‌کند

کرده ، انصاف کتان می‌گوید : " اجازه دهید من از ایشان بشکر کنم ، لطفاً صدایش کنید . " خلاصه با جشن آشکار و رخساری سرزده دست و صورت رئیس اداره را می‌بوسد و از کتف‌سار شرمندگی نموده ، بخشش می‌طلبد .

رئیس اداره هم او را بخشیده روی آزاد می‌کند . بعدها ایشان از آزاد شدنش و خوشحالی مضمحل رئیس شد . نکته جالب اینکه خود مسر که فارغ التحصیل رشته تعلیم و تربیت بودم از شنیدن رفتار رئیس اداره تعجب کرده ، با خود گفتم وایها ! محبت آدم ساده‌ای است . معلم ورزش آبروی او را می‌برد و او برایش غذا و جای می‌آورد . استاد ، تا حالا از آن حادثه سالیانی گذشته ، امروز که شما کارم اخلاق را تدکسیر می‌دانید دریافتیم که آن رئیس اداره چه معلم نامیست و انسان والائی بوده است .

باشکر شاگرد شما

محمد رشیدی